

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Phenomenology of Hafez's Poetry Doctrines in the Process of Learning Architecture Based on Van Manen's Approach
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

پدیدارشناسی آموزه‌های شعر حافظ در فرایند یادگیری معماری براساس رویکرد ون منن*

هیوا رحمانی^۱، محمدرضا پورزرگر^{۲*}، بهروز منصوری^۳

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۲. دکتری معماری، استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.
۳. دکتری معماری، استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

چکیده

بیان مسئله: ساختار آموزش معماری امروز و آموزه‌های ارائه شده در این نظام بیشتر به چگونگی ساخت کالبد معماری (محوریت کالبد) و آفرینشگری اثر معماری کوشیده که این موضوع منجر به اقتدار آبرهای ساختگی و خودشیفتگی انسان معاصر شده است. معماری پدیده‌ای محلی است که ذات و ریشه آن را بایستی در انسان محلی و تجربه‌های زیسته آن جست‌وجو کرد. از این رو این پژوهش به دنبال پاسخ به چستی آموزه‌های زیسته شعر حافظ و پدیدارشناسی تأثیر این تجربه‌ها در فرایند یادگیری معماری است.

هدف پژوهش: هدف از این پژوهش شناخت و بازاندیشی تجربه‌های زیسته انسان در ارتباط با خوانش شعر حافظ جهت ارتقاء آموزه‌های انسان‌ساز در فرایند یادگیری معماری است.

روش پژوهش: به لحاظ مطالعات انسانی به کار رفته، این تحقیق، پژوهشی کیفی است که با روش پدیدارشناسی و رویکرد ون منن (توصیفی- تفسیری) یکی از جریان‌های فکری در حوزه تعلیم و پرورش انسان؛ کوشیده است با عنایت به تجربه‌های زیسته انسان در عالم شعر حافظ از طریق افرادی که با ادبیات و شعر حافظ آشنایی دارند به عنوان مشارکت‌کنندگان تحقیق به جست‌وجوی آموزه‌های درونی و ذهنی بپردازد. در روند پژوهش ۱۸ آموزه اصلی از طریق مصاحبه با هشت نفر از متخصصین فلسفه، ادبیات، علوم انسانی و معماری که دارای تجربه زیسته شده در عالم شعر حافظ بوده استخراج و سپس به کمک نرم‌افزار مکس کیودا (MAXQDA) مضامین اصلی افقی‌سازی و جمع‌بندی شده است.

نتیجه‌گیری: شعر حافظ به عنوان «فضای میانجی» پدیده‌ای است که هم به جنبه‌های ساخت انسان می‌کوشد و هم تکنیک‌های برقراری روابط گسترده با دیگر پدیده‌ها را ارائه می‌دهد. نتیجه این پژوهش در قالب مدل نهایی (دایره مینا) به معنای پالایشگری انسان و خوددرمانی جهت تغییر نگرش سلطه‌جویانه پدیده‌های ایستا، چگونگی تعلیم انسان و نگارش معماری از طریق تجربه‌های زیسته حافظ با زبان استعاری ترسیم شده است.

واژگان کلیدی: تجربه‌های زیسته، آموزش معماری، پدیده شعر حافظ، آموزه‌های انسان‌ساز، خود درمانی.

فرآورده‌های مصنوع در ساختار آموزش معماری است. این ساختار آموزشی که حول مرکزیت انتقال مفاهیم و آموخته‌ها به شیوه تدریس از فردی به دیگری شکل گرفته

مقدمه و بیان مسئله

بررسی ماهوی معماری قالبی کنونی ایران نماینگر توجه بیشتر بر چگونگی ساخت کالبد معماری و تولید

معماری دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی به انجام رسیده است.
**نویسنده مسئول: moh.pourzargar@iauctb.ac.ir، ۰۹۱۲۱۲۱۶۱۷۳

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «هیوا رحمانی» با عنوان «خوانش آموزه‌های تغزلی - انتزاعی حافظ بر اندیشه معماری» است که به راهنمایی دکتر «محمدرضا پورزرگر» و مشاوره دکتر «بهروز منصوری» در سال ۱۴۰۱ در گروه

آنجایی که شعر حافظ در درازی زمان همواره در زندگی ایرانیان تجربه شده است این پژوهش به سراغ خوانش آموزه‌های نهفته و تجربه‌شده آن رفته و با به‌کارگیری رویکرد پدیدارشناسی ون منن به خوانش تجربه‌های زیست‌شده مرتبط با پدیده شعر حافظ و بازاندیشی جایگاه این آموزه‌ها در فرایند یادگیری معماری می‌پردازد. با این توصیف، پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این دو سؤال است: ۱. آموزه‌های زیست‌شده شعر حافظ براساس رویکرد ون منن چیست؟ ۲. نقش پدیدارشناسی آموزه‌های شعر حافظ در فرایند یادگیری معماری چیست؟

پیشینه تحقیق

پژوهش‌های پیشینی که با این نگرش پدیدارشناسانه و میان‌رشته‌ای در زمینه معماری انجام گرفته بیشتر به تأثیر خواندن متون ادبی و اشعار در فرایند یادگیری معماری به‌منظور ارتقاء تفکر خلاق و اندیشیدن پرداخته است. اساساً برقراری پیوند میان حوزه‌های مختلف موجب ارتقاء و پرورش تفکر به معنای دستیابی به راه‌های متفاوت دیدن است. در مطالعات پدیدارشناسانه پیشین شعر در ارتباط با معماری به‌عنوان ابزار یا منبع الهام جهت تصویرسازی‌های مختلف به‌منظور خلق آثار معماری شاعرانه مورد توجه قرار گرفته و نتایج به‌دست‌آمده از تجربه‌ها و تمرین‌های مختلف در قالب کارگاه‌های طراحی بیشتر متکی بر معناشناسی و استدلال‌های معنایی بوده و به ارائه تصاویر بصری و خیال‌انگیز پرداخته است (Yorgancioglu, 2004, 25-27؛ Pombo, Bervoets & Desmet, 2015). از آنجایی که این مقاله با نگاهی نو یادگیری را به‌عنوان فرایند زیستن و کسب تجربه (Van Manen, 2013, 139) مطرح می‌کند، خوانش پدیده شعر حافظ را متمایز از تمرین‌های بصری حاصل کارگاه‌های معماری آکادمیک مطرح کرده، چرا که پژوهش به دنبال الهام‌گرفتن و دستیابی به ایده‌های بصری معماری در ارتباط با شعر حافظ نبوده است. با توجه به ماهیت اصلی رویکرد، پژوهش حاضر بایستی به دور از پیش‌دانسته‌ها و چهارچوب‌های مشابه پیشین جهت دریافت آموزه‌های خودیافته و اکتشافی پدیده شعر حافظ در فرایند زیستن مورد مطالعه قرار گیرد. از این رو مستقیماً شناخت شعر حافظ و جریان‌های فکری پدیدارشناسی مورد تأمل و بررسی قرار گرفته است.

شناخت شعر حافظ

تلاش برای یافتن تعریفی در باب شعر، همواره از دیرباز ذهن بسیاری از ادیبان را مشغول کرده است. به‌دلیل تنوع تعاریف مطرح‌شده بسیاری از ادیبان شعر را تعریف‌ناپذیر دانسته‌اند،

یگانگی اثر (کالبد بنا)، هژمونی تصاویر و مفاهیم پایدار را به همراه داشته است. آموزه‌های متأثر از نگاه محورگرا که ریشه در اومانیزم غرب (انسان‌محوری) دارد بیشتر بر چگونگی خلق اثر و آفرینشگری برخاسته از نبوغ هنرمند (علینژاد مجیدی، شالی‌امینی، ایرانی بهبهانی و ضیمران، ۱۳۹۸، ۱۲) می‌پردازد که این موضوع موجب خودشیفتگی، استیلای محصولات معماری یا من خالق اثر به‌عنوان آفرینشگر شده است. حاصل این آموزه‌ها منجر به شکل‌گیری آبرهای مفاهیم ساخت بنا در معماری شده، در حالی که یادگیری معماری یک فرایند متفکرانه انسانی میان‌رشته‌ای است (Hasirci & Tuna Ultav, 2012) که در ارتباط با دیگر پدیده‌ها مطرح می‌شود، از این رو تأمل بر آموزه‌هایی که حاوی تجربه‌های زیست‌شده است و انسان را با چالش‌های درونی روبه‌رو می‌کند به‌عنوان حلقه گم‌شده فرایند یادگیری معماری در این پژوهش مورد توجه قرار گرفته است.

در ابتدای قرن بیستم جریان فلسفی - فکری به‌عنوان «پدیدارشناسی» شکل گرفت که تأمل بر پدیده‌های محلی و تجربه‌های زیست‌شده انسانی را مطرح می‌کند (Smith, 2018). از آن جایی که معماری پدیده‌ای محلی است، در ارتباط با تجربه‌های زیست‌شده انسانی و اکتشاف در دنیای پدیده‌های محلی و درون‌مرزی معنادار می‌شود. سهم پدیدارشناسی در معماری نوعی تأکید بر گسترش ارتباطات، پرسشگری، شیوه اندیشیدن و بازاندیشی است، که بیشتر می‌توان آن را در شیوه نگرستن و دیدن در ارتباط با انسان مطرح کرد (شیرازی، ۱۳۹۲، ۹۳).

فرایند یادگیری معماری با چگونه دیدن به معنای بازاندیشی ارتباطی مستقیم دارد از طرفی ادبیات و شعر نیز همواره ارتباطی وجودی و متفکرانه جهت ارتقاء راه‌های چگونه نگرستن با دیگر پدیده‌ها در ارتباط با انسان داشته (طهوری، ۱۳۹۶؛ Hasirci & Tuna Ulav, 2012) به‌گونه‌ای که از دیرباز روحیه شاعرانه زیستن ایرانیان و برقراری پیوند با شاعرانشان باعث شده «شعر» و «قریحه شاعرانگی» در زندگی پارسیان حضوری مداوم داشته باشد^۱ (شایگان، ۱۳۹۳، ۱). از میان آثار ادبی، غزلیات حافظ شیرازی همواره با همه زمان‌ها پیوندی ناگسستنی دارد و متعلق به همه اعصار است. حضور ماندگار این گنج‌نامه مکتوب گویای این موضوع است که شعر حافظ به‌عنوان پدیده محلی زیست‌شده نه تنها به مسائل ادبی بلکه به مسائل انسانی نیز می‌پردازد.

پدیدارشناسی ون منن^۲ یکی از رویکردهای فکری در حوزه تعلیم و پرورش است که بیان می‌کند فرایند یادگیری مجزا از زندگی منحصر به فرد و کسب تجربه‌های واقعی و محلی زیست‌شده انسانی نیست (Dowling, 2007)، بنابراین انسان در حین زیستن در ارتباط با پدیده‌های محلی می‌آموزد. از

موضوع ساختن از مباحث اساسی معماری است، که همواره در رویکردهای پدیدارشناسانه نیز مورد تأمل قرار گرفته است. جهان ساخته در پدیدارشناسی کلاسیک هوسرل و هایدگر به شناخت مفاهیم اساسی و بازنمایی نظام عینی پرداخته است. با توسعه رویکرد پدیدارشناسی در ارتباطات میان‌رشته‌ای این جریان فکری وسیع‌تر از بازنمایی‌های عینی و انجام تمرین‌های سازماندهی شده از یک رشته به رشته دیگر مطرح شد، لذا به معنای جهت‌دادن به شیوه تفکر از طریق فعالیت انسان‌سازی در فرایند زیست‌شده مورد تأمل قرار گرفت. در سال‌های اخیر بسیاری از معماران و نظریه‌پردازان این حوزه همچون: یوهان پالاسما، استیون هال، پیتر زومتور و تا حدودی دانیال لیبسکیند، متأثر از جریان فکری پدیدارشناسی و توجه به نقش پیچیده حواس و بدن و بازنمایی آن در عملکرد معماری خود آثاری را تولید کردند (Dodd, 2017, 1-11).

از سال ۱۹۶۰ پدیدارشناسی با رویکرد آموزشی و یادگیری در برخی از مراکز آموزشی (Otero-Pailos, 2005) همچون: دانشگاه پرینستون^۴ آمریکا زیر نظر پرفسور ژان لاباتوت^۵ (Clarke, 2013)، دانشگاه تکنولوژی هلسنکی^۶ توسط یوهان پالاسما تحت عنوان معماری چندحسی (Greenlee & Hinders, 2011) نیز مورد توجه قرار گرفت. ولی آنچه این تأمل پدیدارشناسانه را متمایز از دیگر مطالعات پیشین کرده، توجه بر ساختن انسان فارغ از نظام‌های عینی معماری و چهارچوب‌های به‌کار رفته در آتلیه‌های طراحی دانشگاهی است. از آنجایی که معماری فعالیت مبتنی بر انسان و ساخت است، لذا ریشه مطالعات پدیدارشناسانه این پژوهش در ارتباط با فرایند یادگیری در روندی خودیافته که در حین زیستن انسان حاصل شده مورد تأمل قرار گرفته است.

مبانی نظری

پدیدارشناسان در حوزه مبانی نظری و فلسفه توجه به مسائل انسانی و تجربه‌های زیست‌شده را در بسیاری جهات مطرح کردند، در این میان مرلوپونتی (۱۳۹۴، ۱۴) با نظریه «پدیدارشناسی ادراک حسی» و گاستون باشلار^۷ «پدیدارشناسی خیال» راه گسترش تفکر را تجربه‌های مستقیم پدیده‌ها می‌دانند (نامور مطلق، ۱۳۸۶). از این‌رو اندیشه‌ها و تجربه‌های انسان مبانی این پژوهش قرار گرفته است. به‌طور حتم انسان زیست‌شده جهان شرق با انسان زیست‌شده در جهان غرب دارای پیشینه، تجربه و جهان‌بینی متفاوتی است که ریشه‌های درون‌مرزی بر این تمایزها مؤثر بوده است. جهان غرب در بسیاری از موارد حل مسائل را از راه عقل و دانش عقلانی و جهان شرق مبنای حل بسیاری از مسائل را دانش شهودی و پرسشگری

از این‌رو برای شناخت شعر بهتر است که در دیدگاه پدیدارشناسی براساس یک جریان فکری و پرسشگری مطرح شود. در واقع پدیده شعر نوعی کنش و ارتباط است که در قالب متن بر عاطفه، خیال و روح انسان اثر می‌گذارد. از مهمترین شاخصه‌ها و ویژگی‌های ادب فارسی جنبه تعلیمی، اخلاقی و اندیشه‌سازی است. آنچه حافظ را از میان دیگر شاعران متمایز کرده جهان‌بینی مبتنی بر شهود اوست که منجر به توجه و اهمیت تجربه‌های شخصی شده است (خرازی، ۱۳۸۵، ۱۲۹)، به‌گونه‌ای که پرورش ذهن انسان را بر انتقال پند یا بیان مفاهیم و مضامین حکایتی مقدم می‌داند.

در بررسی و مرور پیشینه در زمینه حافظ‌شناسی به دو دیدگاه کلی می‌توان اشاره کرد:

- دیدگاه اول به شیوه‌ای فرهنگ‌نامه‌ای به شرح کلمات و معنای اصطلاحات خاص واژگان و ابیات شعر حافظ می‌پردازد، بهاء‌الدین خرمشاهی (۱۳۸۷) در کتاب «حافظ‌نامه» به این موضوع پرداخته است.

- دیدگاه دوم که در این پژوهش نیز مورد توجه قرار گرفته است، به ترجمه‌ناپذیری شعر حافظ اشاره دارد و شیوه جداکردن معنای واژگان در متن و یا تلاش جهت تفسیر معنای واژگان و ابیات را اشتباه می‌داند. در این دیدگاه زیستن و تجربه کردن متن شعر حافظ هدف و مبنای شناخت قرار گرفته است، محمدرضا شفیعی کدکنی (۱۳۹۶) در کتاب «این کیمیای هستی» به این موضوع پرداخته است. برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در زمینه شناخت جنبه‌های مختلف شعر و اندیشه حافظ در جدول ۱ ارائه شده است.

جریان فکری پدیدارشناسی

پدیدارشناسی نوعی مطالعه، تجربه یا نگرستن به جهان هستی است که به‌وسیله فردی زیسته می‌شود. این رویداد علمی - فکری در سه حوزه فلسفه، جریان فکری و روش پژوهش مطرح است (نواب و حاجی بابایی، ۱۳۹۵، ۲۴). در ابتدای قرن بیستم با نگاه توصیفی ادموند هوسرل به‌عنوان جریان فلسفی تأثیرگذار (Smith, 2018) بر مبنای بازگشت به سوی خود پدیده‌ها جهت شناخت جهان هستی آغاز شد (Willis, 2001). سپس توسط مارتین هایدگر، ژان پل سارتر و موريس مرلوپونتی در ارتباط با مفاهیم مرتبط با فلسفه وجودی انسان و ادراک توسعه یافت. مرلوپونتی روایتی اگزیستانسیالیستی را در تکمیل پدیدارشناسی کلاسیک در ساختاری میان‌رشته‌ای (امامی‌سیگارودی، دهقان نیری، رهنورد و نوری سعید، ۱۳۹۱، ۵۶؛ Toadvine, 2019)، همراه با پرسشگری انسان در ارتباط با جهان زیسته مطرح می‌کند.

جدول ۱. مروری بر پیشینه مطالعات در زمینه حافظ و حافظ شناسی. مأخذ: نگارندگان.

نویسندگان	نوع پژوهش	عنوان	توضیحات
داریوش شایگان (۱۳۸۸)	مقاله	ساحت بینش حافظ: نقد ادبی	از چندوجهی بودن و جهان بینی ازل و ابدی شعر حافظ که باعث برقراری رابطه چندوجهی با هر شخص ایرانی شده سخن گفته است.
یعقوب نوروزی و سیف‌الدین آب‌برین (۱۳۹۸)	مقاله	تأثیر حافظ بر ذهن و زبان شفيعی کدکنی	تصویرسازی حافظ و شخصیت‌پردازی مورد توجه وی قرار گرفته است.
محسن ایزدیار (۱۳۸۷)	مقاله	بررسی آزاداندیشی در شعر حافظ	به انعکاس اوضاع سیاسی- اجتماعی زمانه حافظ در شعرش و چگونگی کاربرد ابزار آزاداندیشی پرداخته همچنین اشاره به «انسان» به‌عنوان یکی از محورهای اصلی شعر حافظ شده است.
میرجلال‌الدین کزازی و زهره وفايي فرد (۱۳۹۴)	مقاله	مفهوم آزادی در اندیشه حافظ و مولانا و تطبیق آن با تفکر اگزیستانسیالیسم ^۲	آزاداندیشی و اختیار انسان را به‌عنوان محورهای اصلی و زمینه فکری هردو شاعر مولانا و حافظ دانسته و با نگاهی تطبیقی اندیشه‌های آنان را مورد تحلیل قرار داده است.
Shimamoto (2013)	مقاله	عقل و عرفان در نگاه اندیشه حافظ	در مقابل بن‌بست‌های محورگرایی غرب و ناکارآمدی‌هایش، به سراغ دانش شهودی و شعر حافظ رفته و موضوع دوگانگی عقل و عرفان «روح» را مطرح می‌سازد. همچنین اشاره می‌کند نگرش غرب متکی بر عقل و وضوح کلمات بوده درحالی که شرق و فلسفه «ذن» همواره برای حل مسائل به‌دنبال گذر از معانی کلمات و رهایی بوده است.
مصطفی رحیمی (۱۳۹۹)	کتاب	حافظ اندیشه	از منابع به‌روز است که از مهارت ذهنی و فکری برهم‌سازی نا هم‌سازها «اندیشه دیالکتیک» حافظ گفته شده است و وی حافظ را پیشرو تفکر اگزیستانسیالیسم می‌داند.

کیفی در حیطه مطالعات انسان و معانی ذهنی مرتبط با آن (بودلایی، ۱۳۹۵، ۷) باعث شده مورد توجه رشته‌های مختلف: روان‌شناسی، علوم تربیتی، پرستاری، علوم ارتباطات، تاریخ، معماری و دیگر گرایش‌های هنری قرار گیرد (ایمان، ۱۳۹۳). از مهم‌ترین ویژگی‌های پژوهش‌های کیفی این است که محقق با نیت اندازه‌گیری رفتار و کنش وارد تحقیق نمی‌شود (نواب و حاجی بابایی، ۱۳۹۵). از روش‌شناسی‌های غالب در رویکرد کیفی، تحقیق پدیدارشناسی است که به‌عنوان نوعی استراتژی تحقیق مطرح می‌شود. روش تحقیق به‌کار رفته در پژوهش حاضر باتوجه به هدف آن و کشف پدیده‌ای خاص به معنای شناخت آموزه‌های فضای تغزل حافظ، پدیدارشناسی است. پدیدارشناسی به‌عنوان روش پژوهش می‌کوشد از رهگذر کشف تجربه‌های زیسته یا جهان‌زیسته به پرسش‌های مطالعات حوزه انسانی پاسخ دهد که با دو رهیافت توصیفی و تفسیری مطرح شده و با نام‌هایی پژوهشگرانی چون اسپیکلبرگ^۱، پاترسون^۲، کولایزی^۳، گیورگی^۴، موستاکاس^۵، وان کام^۶ و مکس ون منن^۷ شناخته شده است (پنج‌تنی، ۱۳۹۴).

می‌داند (Shimamoto, 2013). در سرزمین پارسیان ادبیات و قریحه شاعرانگی، زیستن در فضاهای خیال، احساس و شعر از گذشته تا به امروز همراه همیشگی مردمان بوده است. بسیاری از تجربه‌های خیالی زیست‌شده انسان ایرانی را می‌توان در خوانش اشعار کلاسیک و شعر حافظ جست‌وجو کرد. شعر حافظ به‌دلیل آزاداندیشی، رهایی و روحیه ساختارشکنی که در خلق فضای شعر داشته، دارای والاترین آموزه‌های گفتمانی بوده است. این گفتمان و برقراری ارتباط میان شعر (متن) و مخاطب، بدون هیچ نگرش محورگرایی (عقل، متن، مخاطب و شاعر) یا تفسیر و معنای واژگان به‌کار رفته در متن است. از این‌رو مبانی اصلی این پژوهش پدیدارشناسانه تمرکز بر یادگیری انسان براساس تجربه‌های زیسته در ارتباط با پدیده محلی «شعر حافظ» دارد که به‌صورت گفتمان‌های چندگانه یافت می‌گردد.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر کیفی است، کارآمدی تحقیق‌های

گام اصلی توصیه می‌کند (پنج‌تنی، منصوریان و مبینی، ۱۳۹۶).
جدول ۲ فرایند اجرایی تحقیق حاضر را نشان می‌دهد.
 از ویژگی روش ون منن می‌توان به این موضوع اشاره کرد که تعامل میان پژوهشگران و مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌ها حین تحقیق اثرات شهودی و خودآگاهی را به همراه دارد.

یافته‌های پژوهش

شعر حافظ سرشار از تجربه‌های زیست‌شده انسانی است، بنابراین آموزه‌های استخراج شده از آن خارج از معنای واژگان شعر مورد مطالعه قرار گرفت. مطالعات پدیدارشناسانه در دو بخش (براساس تحلیل محقق و تجربه مشارکت‌کنندگان) انجام شد. پیش از انجام مصاحبه‌ها محقق بایستی در خصوص پدیده موردنظر مطالعه کافی داشته باشد تا بتواند براساس مضامین به‌دست آمده برای انجام مصاحبه‌ها برنامه‌ریزی کند، از این‌رو ابتدا از طریق تحلیل مطالعات و شهود تجربه‌های فردی آموزه‌های مربوطه استخراج شد، سپس در ادامه محقق توصیف تجربه‌های شخصی و تأثیرپذیری این تجربه‌ها بر افراد مصاحبه‌شونده را به کمک و همراهی مشارکت‌کنندگان تحلیل کرد.

• آموزه‌های زیست‌شده حافظ براساس تحلیل محقق

حافظ در دوره‌ای سرشار از تک‌صدایی و خفقان مطلق می‌زیست، زمانه‌ای مکالمه‌ستیز و ناآزاد که می‌توان از تجربه زیسته او دانست. شاید بتوان چندصدایی (پولیفونی)^{۱۵} و گفتمان دیالکتیک او را انتقادی یا مقابله‌ای با این «دوران تاریک» اجتماعی دانست (غلامحسین‌زاده، ۱۳۸۶). او رندی (به تعبیر حافظ انسان کامل) باهوش و زیرک بود که برای مقابله با این «خفقان» و «آزادستیزی» به کلام نمادین و گاهی «طنز» متوسل شد تا بدین روش آزادانه به مکالمه و گفت‌وگو بپردازد (ایزدیار، ۱۳۸۷). زمانه حافظ هم‌دوره با دوران کلیسا و آغاز عصر روشنگری «مرکزگرایی عقل» بود. زمانه‌ای که فلاسفه «مغرب زمین» در تلاش برای حل مسائل انسانی گاهی خدا، گاهی خود و... را محور قرار می‌دادند، حافظ در این سوی زمین با نگاهی ساختارشکنانه و مرکزگریز کلام خود را در شعر متناقض با شرایط زمان حاکم پدید آورد. آنچه در این بخش قابل تأمل است تجربه‌های زیست‌شده و منحصر به فرد حافظ است که مجزا از کلام شعر او نیست، تصویر ۱ به توصیف و تحلیل یافته‌های به‌دست آمده در این بخش اشاره می‌کند.

• آموزه‌های زیست‌شده حافظ براساس تجربه مشارکت‌کنندگان

از آنجایی که شعر حافظ یک متن پدیدارشناختی است که مشارکت‌کنندگان در آن شکلی از ظهور را تجربه کرده‌اند در این بخش از مشارکت‌کنندگان خواسته شد تجربه‌های شخصی خود را در رابطه با شعر حافظ، دریافت‌های احساسی و خیالی و تصاویر ذهنی بیان کنند. همان‌طور که در روش ون منن گفته

رویکرد پدیدارشناسی ون منن که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است یادگیری انسان از طریق ارتباط با پدیده‌های محلی را مبنای پژوهش قرار داده است. از این‌رو با عنایت به تجربه‌های زیست‌شده انسان در عالم شعر حافظ از طریق افرادی که با ادبیات و شعر حافظ آشنایی دارند به جست‌وجوی آموزه‌های درونی و ذهنی پرداخته است.

پدیدارشناسی ون منن

ون‌منن استاد دانشگاه آلبرتا کانادا یکی از صاحب‌نظران روش تحقیق پدیدارشناسی توصیفی-تفسیری است که در زمینه آموزش (تعلیم و تربیت) و روش شاعرانگی فعالیت به‌سزایی دارد (Dowling, 2007, 138). به اعتقاد وی فرایند یادگیری مجزا از زندگی منحصر به فرد افراد و کسب تجربه آنان نیست (Manen, 2016). در تحقیقات پدیدارشناسی، محقق به دنبال حل موضوع یا اثبات فرضیه‌ها نیست، بلکه موضوع مطرح شده به‌عنوان سؤال کلی مطرح است که با بیانی ساده و توصیفات واضح به مطالعه تجربه‌های فردی اشخاص می‌پردازد (نواب و حاجی بابایی، ۱۳۹۵).

به‌منظور شناخت چیرستی و چگونگی آموزه‌های مؤثر شعر حافظ ابتدا محققان به‌صورت مستقیم به مطالعه و خوانش مکتوبات و اسناد مربوط به شعر حافظ در یک فرایند پدیدارشناسانه پرداختند و با یادداشت‌برداری و فیش‌برداری اطلاعات جمع‌آوری شد. به دنبال خوانش تجربه‌های مشترک افراد از پدیده مورد مطالعه (شعر حافظ) به سراغ هشت نفر از اندیشمندان حوزه‌های مرتبط (علوم انسانی، ادبیات، فلسفه و معماری) رفته و از طریق مصاحبه‌های عمیق و چندگانه، ساختار نیافته یا نیمه‌ساختار یافته در یک فرایند متفکرانه به گفت‌وگو پرداخته شد. مشارکت‌کنندگان به‌صورت هدفمند از میان افرادی که دارای دیدگاه زیستن و تجربه‌کردن شعر حافظ خارج از ترجمه‌پذیری داشته‌اند انتخاب شدند. برنامه این مصاحبه‌ها از چند روز قبل هماهنگ شده و مدت‌زمان مصاحبه‌ها بین سی تا نود دقیقه مستمر در نظر گرفته شد. در این روش ضروری است پیش از انجام مصاحبه‌ها محقق از مطالعه کافی در خصوص پدیده موردنظر برخوردار شود، تا بتواند براساس مضامین به‌دست آمده برای انجام مصاحبه‌ها برنامه‌ریزی کند.

پس از جمع‌آوری توصیفات مشارکت‌کنندگان و مطالعه تجربیات شخصی و عینیت‌یافتن روابط بین‌الذهانی میان پدیده‌ها توسط محقق آگاهی لازم حاصل شد که این آگاهی منجر به ایجاد ارتباط عمیق میان تجربیات شخصی و دریافت آموزه‌هایی جهت فراگیری و ایجاد پیوند در ارتباط با یادگیری معماری شد.

فرایند اجرایی پژوهش

مکس ون منن برای انجام هر پژوهش پدیدارشناسانه‌ای شش

جدول ۲. فرایند اجرایی و گام‌های پژوهش توصیفی - تفسیری ون منن. مأخذ نگارندگان.

توضیحات	فرایند اجرا	گام‌های پژوهش
مطالعات و تجربه پژوهشگر با تدوین سؤالات باز و نیمه باز به‌منظور روی آوردن به ماهیت تجربه‌های زیست‌شده خوانش شعر آغاز شد.	پرسشگری محقق	گام اول نقطه شروع
خوانش و مرور تجارب پدیدارشناسانه مشارکت‌کنندگان و گفتگو با افراد ذی‌صلاح و ضبط محاوره‌ها. محقق از طریق پرهیز از انباشتگی مطالب توصیفات پدیدارشناسی مهم را استخراج کرد.	گفتگو و تعامل میان پژوهشگران و مشارکت‌کنندگان	گام دوم مصاحبه
شناخت مضامین اصلی از طریق توصیف‌ها و آموزه‌های زیست‌شده است.	شناخت مضامین و کدگذاری	گام سوم تأمل و توصیف
برانگیخته‌شدن احساسات (مدیتشین)، تبدیل تجربه‌ها به متن به این معنا که نوشتن تنها مدنظر نبوده بلکه شکلی از نوشتن با ایجاد متن پدیدارشناسی (احساس در متن) هدف اصلی این گام بود.	پالایشگری ذهن انسان (خودشناسی)	گام چهارم تفسیر و نگارش
در این مرحله ارتباط مستمر و قوی میان پدیده‌ها، پرسش‌ها و اهداف در روند تحقیق حفظ شد.	پالایشگری متن	گام پنجم ارزیابی و پایایی
محقق در یک تمرین تکنیکی مصاحبه‌های انجام شده را در قالب توصیف تجربه‌های افراد در زمینه خوانش شعر حافظ به‌صورت روایت مکتوب کرد، سپس وجوه مشترک تجربه‌ها بر روی متن پدیدارشناسی آشکار شد.	استخراج مضامین شاخص‌سازی آموزه‌ها به کمک نرم‌افزار مکس کیودا	گام ششم متعادل‌سازی

پرداخته است (تصویر ۴). حافظ برخلاف دیگر شاعران ادبیات کهن همچون، فردوسی خردگرا، ناصر خسرو، خیام و ...، شاعری چندصدا به معنای سکولار و ضد مرکز‌گرایی است. به‌گونه‌ای که در زمانه تک‌صدا از دخالت دین در تمام امور جامعه ممانعت می‌کند و به این صورت از افزایش احتمالات می‌گوید. از سوی دیگر می‌توان شعر حافظ را گستره‌ای از ارتباطات میان پدیده‌ها و دیگر متون دانست به‌گونه‌ای که او میان شعر خود و دیگر شاعران از طریق بازخوانی متنی ارتباط برقرار کرده و هر آن‌چه را که می‌پسندیده در میان متون دیگر شاعران، برداشته و به‌صورت انشایی متنی و بینامتنی از آن خود درآورده است. به‌طور مثال می‌توان به این بیت سعدی اشاره کرد:

دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

آدمیزاده نگه دار که مصحف ببرد

که حافظ آن‌را به‌صورت زیر بازخوانی و در شعر خود نگارش کرده است:

زاهد ار زندی حافظ نکند فهم چه شد

دیو بگریزد از آن قوم که قرآن خوانند

اصطلاح «بینامتنی» که نخستین بار «کریستوا»^۶ وارد عرصه نقد و نظریه‌های ادبی شد علاوه بر حوزه نظری ادبیات دامن‌گیر حوزه‌های فکری نیز شده است که به‌عنوان هنر برساختن یا وام‌گرفتن هنرمند از دیگران به‌منظور توقف و تلاش برای منحصربه‌فرد بودن نیز مطرح شد (علینژاد مجیدی و همکاران، ۱۳۹۸). این مشارکت‌کننده از اصطلاح

شد ارزشمندی این تجربه‌ها به منحصربه‌فرد بودنشان است. در این بخش برای جلوگیری از انباشت داده‌ها در توصیف اطلاعات و تجربه‌های منحصربه‌فرد مشارکت‌کنندگان (مصاحبه‌شوندگان) شاخص‌های موضوعی داده‌های یافت شده که در قالب جداول مجزای تحلیلی - تفسیری ارائه شده است.

مشارکت‌کننده «الف» به‌عنوان پژوهشگر هنر و فلسفه، در این بخش به بیان تجربه‌های زیسته خود از شعر حافظ در دو مرحله از زندگی خود پرداخته است (تصویر ۲). مرحله اول تجربه زیست‌شده او مرتبط به دوران جوانی و ایجاد احساس اشتیاق تحت تأثیر حس موسیقائی و مغناطیس شعر حافظ است. مرحله دوم تجربه زیسته او در خصوص دریافت‌های عمیق‌تر و شخصی‌تر فرد مشارکت‌کننده از شعر است که در دو بعد (باطن - ظاهر) و سپس تأثیرپذیری و آموزه‌های دریافتی انسانی - شخصی مشارکت‌کننده در سه زمینه «تفکر و اندیشه - احساس - رفتار» ارائه شده است.

مشارکت‌کننده (ب) مطابق تصویر ۳ به‌عنوان پژوهشگر و مترجم علوم انسانی به شرح و توصیف تجربه‌های شخصی پرداخته است. او فضای شعر حافظ را همچون تالاری تودرتو، پر از لحظات شهودی و آنی دانسته است. این تالارهای ذهنی به‌وسیله ایجاد حادثه‌های ذهنی مداوم منجر به درمانگری باورهای انسان می‌شود.

مشارکت‌کننده «ج» به‌عنوان پژوهشگر و نویسنده حوزه ادبیات و علوم انسانی، به توصیف و بیان ویژگی‌های شعر حافظ



تصویر ۱. توصیف آموزه‌های زیست‌شده حافظ براساس تحلیل مطالعات محققین. مأخذ: نگارندگان.

توصیف تجربه‌های زیست‌شده از طریق ارتباط با پدیده شعر حافظ در دو مرحله از زندگی				مشارکت‌کننده (الف)
مرحله دوم	مرحله اول			
دریافت آموزه‌های انسانی	(ایجاد اشتیاق و برانگیخته‌شدن احساسات)			
خودشناسی و خوددرمانی	برانگیخته شدن احساسات	زیباشناسی شعر	حس موسیقایی	
کشف لایه پنهان (کلام بینامتنی)	عشق	وحدت در پریشانی	ساختار شکنی معناها	
پالایشگری فردی	صبوری	ظاهری	آشنازدایی و	
دیالکتیک درونی و آشنازدایی درونی	پوچی	چندجهانی و	فیگورسازی	
خطاپذیری	شوق	شک‌گرایی	تناقض‌گویی	
واکاوی لایه‌های شخصیتی	ترس			
تأمل و تأثیرپذیری مشارکت‌کننده (الف) در سه زمینه انسان‌سازی				
رفتار	احساس	تفکر (اندیشه)		

تصویر ۲. یافته‌های حاصل از مصاحبه و مشارکت پژوهشگر هنر و فلسفه. مأخذ: نگارندگان.

شعر حافظ را آینه تمام‌نمای انسان می‌داند به گونه‌ای که خواننده را در مسیر مستقیم یک اندیشه یا عاطفه معین هدایت نمی‌کند. مشارکت‌کننده در این بخش اذعان دارد که هیچ‌گاه نکوشیده که شعر حافظ را شرح و تفسیر کند بلکه خود را به شعر سپرده است تا فضای شعر و حادثه‌های آن او را درگیر کند. در واقع شعر حافظ امکان مکاشفه درونی را به خواننده می‌دهد که منجر به خودشناسی و در فهم کلان‌تر «انسان‌شناسی» می‌شود (تصویر ۶).

مشارکت‌کننده «و» مدرس، پژوهشگر ادبیات فارسی بیان

«متن پنهان» معادل مضمون برساختن یا وام‌گرفتن حافظ از متن دیگر شاعران و کپی متون دیگران در متن شعر خود استفاده کرده است.

مشارکت‌کننده «د» مدرس، پژوهشگر و زبان‌شناس ایرانی، طبق تصویر ۵ موضوع را از نگاهی دیگر بررسی می‌کند و برعکس بسیاری که حافظ را عارف می‌دانند این موضوع را رد کرده و تعریف خدا را در شخصیت رند می‌بیند و در نهایت حافظ را شاعری شادخواه می‌نامد.

مشارکت‌کننده «ه» مدرس، پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی

توصیف تجربه‌های زیست‌شده از طریق ارتباط با پدیده شعر حافظ در مراحل مختلف زندگی				مشارکت‌کننده (ب)
پالایشگری انسان	برانگیخته‌شدن احساسات	جهان تودرتو (لایه‌های متعدد)		
ساختارشنکی باورها و تابوهای اجتماعی برهم ریختن لایه‌ها (تالارهای) ذهنی ساختارشنکی در فیگورهای مذهبی برهم زدن باورها (زاهد، شیخ، صوفی و ..) بازاندیشی و کلام انتقادی انسان کامل انسان گناهکار است.	فضای پارادوکسیکال طنز بازی آزاد خیال آزادی فرم (تغزل) کثرت‌گرایی چندمحوری (ضد تک‌محوریت)	لایه اول عشق	لایه دوم زیباشناسی	
		لایه سوم فیگورهای منحصره‌فرد	لایه چهارم روایت زندگی حافظ	
		لایه پنجم اخلاق و بی‌اخلاقی	لایه ششم نقد باورهای ساختگی	
نتیجه تجربه شخصی در زمینه انسان‌سازی				
شعر حافظ همچون یک کتاب بالینی بر انسان اثربخش و درمانگر باورهای انسانی است.				

تصویر ۳. یافته‌های حاصل از مصاحبه و مشارکت پژوهشگر و مترجم علوم انسانی. مأخذ: نگارندگان.

هشت ویژگی توصیف‌شده از تجربه خوانش شعر حافظ				مشارکت‌کننده (ج)
مزله (لغزشگاه معنای واژگان) قلم انتقادی و اعتراضی شعر	تفسیرپذیری ساختار انشاگرایی متن به جای انتقال پند و اندرز	مغانگی (تصویرکننده تناقض‌ها) شیوه آشنزادایی	حافظانگی گره‌زدن تناقض‌ها اجتماع نقضین محال	
جنبه تعلیمی - آموزشی ایجاد احتمالات و آزاداندیشی	بوطیقای هنری (متن پنهان) کلامی بینامتنی خواجه هر چه را که در میان متون دیگر شاعران، می‌پسندیده می‌رباید	زیبایی‌شناسی (حس و عاطفه) برانگیخته‌شدن حواس انسان	ضد مرکزگرایی (سکولار و بی‌پروایی) ممانعت از دخالت قدرت‌ها و باورها	
تأمل و تأثیرپذیری مشارکت‌کننده (ج)				
تابوشکنی اجتماعی	ایجاد شک و احتمالات	برانگیخته‌شدن احساسات	انشاگرایی متن به جای انتقال پند	
نتیجه تجربه شخصی در زمینه انسان‌سازی				
شکل‌گیری جهان‌بینی - آزاداندیشی - شکل‌گیری تفکر نقادانه و انقلابی - خیال‌پردازی بی‌پایان				

تصویر ۴. یافته‌های حاصل از مصاحبه و مشارکت پژوهشگران و نویسنده حوزه ادبیات و علوم انسانی. مأخذ: نگارندگان.

معماری کردن است، یکی از ابزارهای این کار برانگیختن و ارتقاء «حس ادبی» یا به عبارتی افروختن «قریحه شاعرانگی» در وجود فرد فراگیرنده معماری است. مشارکت‌کننده «ح» مدرس، پژوهشگر فلسفه و هنر، در این بخش بیان می‌کند برای شناخت شعر حافظ بایستی با نگاهی خارج از ساحت متعارف حافظ‌پژوهان نگریند تا بتوان به خوانشی نو همراه با تجربه‌های زیسته شخصی دست یافت. برای برقراری ارتباطی صحیح میان خود و ساحت نااندیشیده‌ی حافظ بهتر است از روش ستردگی

می‌کند حافظ با نگاهی ساختارشنکی به تکرار روش‌های پیشینیان نپرداخته و ابزار تازه‌ای را برای بیان غزل خود یافته است. غزل حافظ از نوع منشوری (چندوجهی) به‌گونه‌ی چندمعنایی به ایجاد تنوع در زوایای مختلف می‌پردازد، در واقع ابداع غزل به شیوه حافظ نوعی زایش درون‌متنی است (تصویر ۷).

مشارکت‌کننده «ز» معمار، ادیب و هنرمند طبق تصویر ۸ به بیان تأثیرپذیری شعر حافظ بر آموخته‌های خود پرداخته است. آنچه که برای یک معمار اهمیت دارد چگونگی درست

توصیف تجربه‌های زیست‌شده از طریق ارتباط با پدیده شعر حافظ در مراحل مختلف زندگی				مشارکت‌کننده (د)
روایت‌گری با موسیقی	استفاده از نمادهای وارونه (وارونگی معناها)	ساختار شکنی معناها فیگورهای مذهبی	گفت‌وگو میان‌متنی	
حافظ شاعری شادخواه، نه عارف است.				
تأمل و تأثیرپذیری مشارکت‌کننده (د)				
روایتگری با شوق	ایجاد شک و احتمالات	تابوشکنی فیگورهای ارزشی		
نتیجه تجربه شخصی در زمینه انسان‌سازی				
گفتمان میان پدیده‌ها - پالایشگری باورها، ارزش‌ها و معناها ساختگی				

تصویر ۵. یافته‌های حاصل از مصاحبه و مشارکت مدرس، پژوهشگر حوزه زبان‌شناسی. مأخذ: نگارندگان.

ویژگی توصیف‌شده از تجربه خوانش شعر حافظ				مشارکت‌کننده (ه)
عرف‌گریز	شیوه بلاغی	فقدان انسجام ظاهری	عقل‌گریز	
وارونگی ارزش‌ها	زبان کنایه	طنز	هنجار شکن	
با هر بار خواندن (با مرور) مکاشفه ذهنی و حادثه‌های ذهنی رخ می‌دهد.				
تأمل و تأثیرپذیری مشارکت‌کننده (د)				
ایجاد سرگردانی ذهنی	مکاشفه با متن	مکاشفه انسان با خود		
نتیجه تجربه شخصی در زمینه انسان‌سازی				
خودشناسی و بیداری				

تصویر ۶. یافته‌های حاصل از مصاحبه و مشارکت مدرس، پژوهشگر زبان و ادبیات فارسی. مأخذ: نگارندگان.

ویژگی توصیف‌شده از تجربه خوانش شعر حافظ				مشارکت‌کننده (و)
ساختار شکنی مداوم	آمیزش و ترکیب ناسازگارها	پیشانی ظاهری و مضامین چندوجهی	منشوری بودن فضای شعر (چندمحوری)	
نتیجه تجربه شخصی در زمینه انسان‌سازی				
تنوع در زاویه دید (غزل منشوری)	ایجاد تفکر میان‌متنی (چندمحوری)	پیدا کردن راه‌های جدید (بازاندیشی)		

تصویر ۷. یافته‌های حاصل از مصاحبه و مشارکت مدرس و پژوهشگر ادبیات فارسی. مأخذ: نگارندگان.

به تفکیک شده‌اند که این نوع نگاه تفکیک باعث شده از کل پیام شعر که به خلاقیت و استعاره‌های شعر برمی‌گردد غافل شوند.

هیچ‌گاه نمی‌توان گرانیگاه تفکر حافظ را با خواندن اشعارش به‌دست آورد مرکز‌گرایی شعر به‌گونه‌ای است که در بسیاری مواقع متن مرکزیت معنای خود را از دست می‌دهد و حاشیه‌ها اهمیت پیدا می‌کند براین اساس نگرش اصلی شعر این است که تمامی تفسیرها، استنتاج‌ها و تأویل‌ها در نهایت قطعیت ندارند. از این‌رو خواندن شعر حافظ به معنای خوانش آن یعنی به دفعات خواندن همراه با تفسیرهای باز و چندمعنایی خواهد بود (تصویر ۹).

(کاهش ارزش‌ها، معنای واژگان و وجوه فیگورها) بهره برد. خلاقیت حافظ نیز در همین انقلاب‌های پی‌درپی زبان است که انسان را با چشم‌اندازهای مختلف مواجه می‌کند (جدول ۱۰). حافظ تنها شاعری است که در ایران زبان را به معنای گسترده به‌کار برده و با نگاه پساساختارگرایانه در برقراری ارتباطات گسترده، مناسبات دال و مدلول زبان را به هم ریخته است. چرا که هیچ مخاطبی به یک دال نهایی و مدلول حقیقی نمی‌رسد و هر انسانی از سویی می‌تواند وارد متن شعر شود و در بازی بی‌پایان تفاسیر قرار گیرد. بسیاری از حافظ‌شناسان و مترجمان اندیشه حافظ همواره بین دو ساحت پدیدار (ظاهر) و ساحت معنا (پنهان) قائل

ویژگی توصیف‌شده از تجربه خوانش شعر حافظ					مشارکت‌کننده (ز)
ساختار شکنی	پیوند تضادها	ایزگم و غافلگیری دیالکتیک درونی	چندجهانی و چندمعنایی	عاطفه و موسیقی	
شکست و گسست منش و شیوه بیان کاستن و سبک‌باری فاصله و گمانه مقابله و دافعه	وحدت و یگانگی حاشیه و پیوست وحدت در کثرت تضاد و دوگانگی ترکیب و پیوند	حادثه‌های آنی مقابله و دافعه کشمکش درونی سکون و آرامش درنگ و انتظار فضای خلاء و تهی	گسترش و رشد رازآمیز و ابهام منش و شیوه بیان حرکت و پویایی چندصدایی	کشش و جاذبه رنگ و شادابی شماره و ضرب آهنگ زنگ و آهنگ تناسب و موزونی	
نتیجه تجربه شخصی در زمینه انسان‌سازی					
تربیت و آموزش احساسات انسانی و ارتقاء حواس انسانی					

تصویر ۸. یافته‌های حاصل از مصاحبه و مشارکت معمار، ادیب و هنرمند. مأخذ: نگارندگان.

تحلیل یافته‌ها

پس از انجام مصاحبه‌های عمیق توصیف‌های پدیدارشناسانه به‌دست آمده در قالب روایت‌های متنی در نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی «مکس کیودا» وارد و سپس کدگذاری شد. پس از شاخص‌سازی مضامین اصلی و فرعی مستخرج از تمامی هشت مصاحبه محقق با تکیه بر من استعلائی رویکرد «ون منن» افق‌های دیدی که بار معنایی مشابه داشته‌اند را دسته‌بندی کرده و سپس به یکسان‌سازی و برقراری پیوند میان داده‌ها پرداخته است.

• افقی‌سازی و تلخیص یافته‌ها

در تصویر ۱۰ مضامین به‌دست آمده از تجربه‌های زیست‌شده مشارکت‌کنندگان در زمینه خوانش شعر حافظ که به‌وسیله نرم‌افزار «مکس کیودا» به‌صورت افقی‌سازی تلخیص یافته ارائه شده است.

• تحلیل آموزه‌های زیست‌شده شعر حافظ

پس از تحلیل مضامین اصلی و همانندسازی مفاهیم طبق تجربه‌های مختلف مشارکت‌کنندگان ۱۸ آموزه اصلی به‌عنوان آموزه‌های مؤثر در ساختار تعلیم و پرورش جریان‌های فکری انسان مطابق تصویر ۱۱ به‌دست آمده است.

جمع‌بندی و بحث

حافظ را می‌توان شاعر تجربه‌های زیست‌شده انسانی دانست که براساس شکستن ساختارها و نظام‌های ادبی حاکم در دوره خود نوعی تزلزل و ناپایداری معنایی در میان روابط واژگان و ارزش‌های ساختگی اجتماعی به‌وجود آورده است. او با خوانش و گفتگو میان دیگر متون و با ایجاد تکثرگرایی معنایی و گستره‌ای از ارتباطات پنهان و آشکار فضای شعر خود را نگارش کرده به‌گونه‌ای انسان را نشانه گرفته است. انسان در این کنش و فعالیت ذهنی در رابطه با خواندن متن

شعر به دلیل جهان‌بینی مرکز‌گرای حافظ، چندصدایی‌های متعدد و کلام پرسشگر وی در گستره‌ای از رابطه‌های درونی و پیچیده میان بازی‌های فرمی، کلامی و چندگانگی‌های متعدد قرار می‌گیرد. در این ارتباطات بی‌پایان خوانش شعر که نوعی فعالیت تأویل و تفسیر است مخاطب متن ابتدا تحت تأثیر مسائل زیباشناختی شعر در حوزه عاطفه و احساس قرار گرفته و برانگیخته شدن حس‌های متعدد و متناقض را تجربه می‌کند. سپس تحت تأثیر حافظانگی شعر که متأثر از آمیزش و تجمیع تضادهاست فرد به نوعی کشمکش درونی یا گفتمان مداوم چه درون متن شعر و چه درون خود (انسان) پی می‌برد. این گفتمان درونی میان متن و انسان در لایه‌های متعدد و مختلف رخ می‌دهد که می‌توان آن را لایه میانجی میان حافظ، متن شعر و انسان نامید. در این لایه میانجی خواننده اثر درون خود به نوعی «من درمانی» و «خودیافتگی» میان من واقعی (خویشتن)، من تصور شده از خود، من تصور شده از دیگران و دیگر پدیده‌ها دست می‌یابد. تصویر ۱۲ مکاشفه انسان با لایه‌های متعدد که تحت تأثیر واکاوی‌های مدام و درونی با خواندن شعر حافظ تجربه کرده است را نشان می‌دهد در واقع این رابطه دیالکتیکی منجر به نوعی ظهور حادثه‌های آنی، انقلاب‌های فکری در باورهای ذهنی و لحظات شهودی انسان می‌شود و نوعی بیداری به معنای شفاف اندیشیدن و تراپی درونی را برای انسان به همراه دارد.

• تحلیل تأثیرپذیری آموزه‌های شعر حافظ بر معماری انسان معاصر بیش از هر زمان دیگری نیازمند آموزه‌های تعلیمی است، آموزه‌هایی که منجر به پرورش جریان‌های فکری و گسترش افق‌های دید انسان می‌شود (سلامت‌نیا و خیرخواه برزکی و مدرس‌زاده، ۱۳۹۸، ۲۷). آموزش معماری امروز تحت تأثیر باورهای قوی و ساختارهای هژمونی جنبش

ویژگی توصیف شده از تجربه خوانش شعر حافظ			مشارکت‌کننده (ح)
جابه‌جایی نقش‌ها و فیگورها نگاه پسا ساختارگرایی (واسازی) قدرت معنایی واژگان و جایگاه آب‌رها متن کاسته شده است.	خلاقیت (انقلاب‌های پی‌درپی) برای خواندن شعر حافظ باید از کلمات و گزاره‌ها گذر کرد.	بازی بی‌پایان دال‌هاست ظاهر و باطن شعر قابل تفکیک نیست.	
تقابل‌های دوتایی نگاه شالوده‌شکنی تفسیرها و معناها قطعیت نهایی ندارند.	مرکزگرایی در بسیاری مواقع متن شعر مرکزیت معنایی خود را از دست داده و حاشیه‌ها اهمیت پیدا می‌کند.	ماهیت استعاری و ماهیت بلاغی زبان شعر حافظ بیش از آن‌که به حقیقت تکیه کند دارای منش و ماهیت بلاغی است.	
نتیجه تجربه شخصی در زمینه انسان‌سازی و انقلاب‌های پی‌درپی است.			
برقراری ارتباطات گسترده، نگاه پسا ساختارگرایی (واسازی)			

تصویر ۹. یافته‌های حاصل از مصاحبه و مشارکت مدرس، پژوهشگر فلسفه و هنر. مأخذ: نگارندگان.



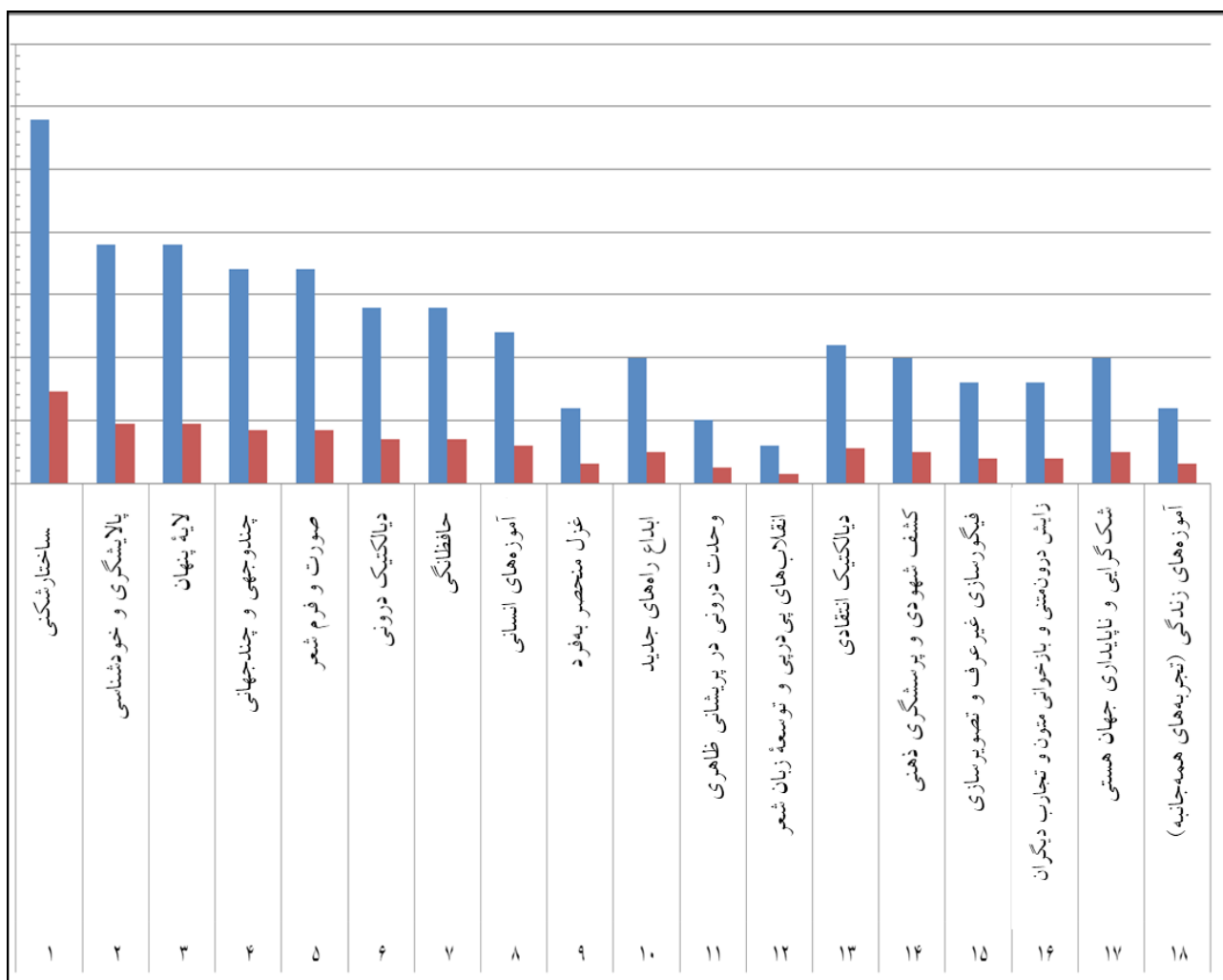
تصویر ۱۰. جمع‌بندی و افقی‌سازی مضامین مستخرج از طریق نرم‌افزار مکس کیودا. مأخذ: نگارندگان.

بایستی یادگیری در معماری از تربیت و ساختن ذهن (انسان‌سازی) آغاز شود.

• تأثیر آموزه‌های شعر حافظ در فرایند پرورش انسان معمار

شعر حافظ در ابتدای گفتمان خود با مخاطب به واسطه کلام آهنگین خود موجب برانگیخته شدن حواس انسانی شده و نوعی از آرام‌سازی یا مدیتیشن ذهن را در اولین مکالمه خود

مدرن بیشتر به پرورش نگرش آفرینشگری و سازماندهی نظام‌های عینی اثر کوشیده و کمتر به فعالیت ساختن انسان تحت‌تأثیر آموزه‌های فردی به معنای چگونگی انسان معمار شدن در فرایند یادگیری معماری اشاره کرده است. در صورتی‌که پدیده معماری رابطه ناگسستنی با زیستن و انسان دارد، بنابراین می‌توان ذات و ریشه معماری را در «انسان» و تجربه‌های زیست‌شده انسانی دانست. از این‌رو



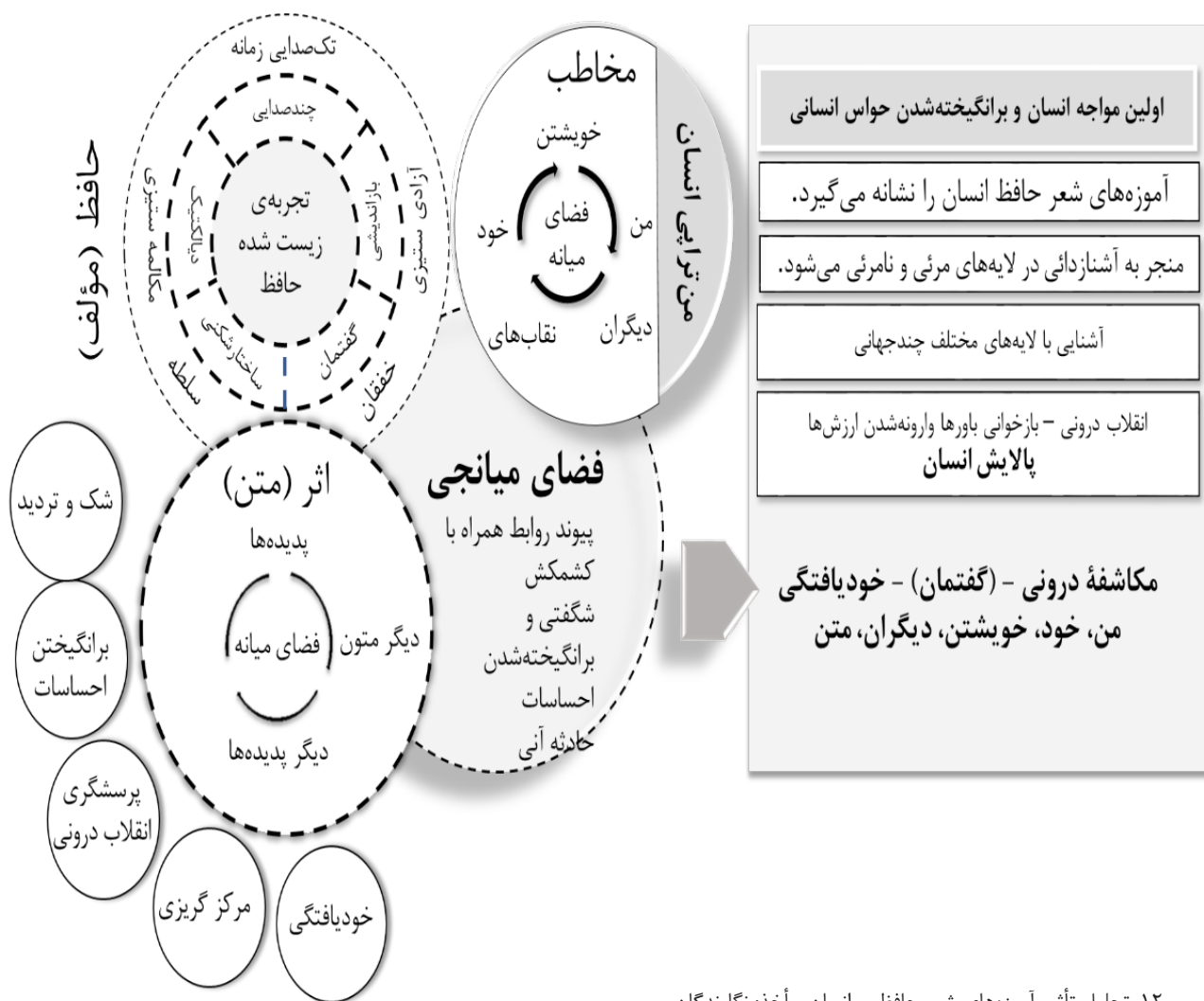
تصویر ۱۱. هجده آموزه به‌دست‌آمده از طریق تحلیل مضامین مشارکت‌کنندگان در نرم‌افزار مکس کیودا. مأخذ: نگارندگان.

انسان را در لغزشگاه «مزلّه» آبرها، تابوها و باورهای ساختگی قرار می‌دهد. شک‌گرایی‌های ایجاد شده در نهاد‌های قدرت و باورهای قطعی ساختگی انسان نوعی «خودتراپی» به معنای پالایشگری درونی و پذیرش خطا در وجود انسان را به‌دنبال دارد. زمانی که انسان معمار به این ناپایداری‌ها و عدم قطعیت‌ها آگاه شود تمامی آموزه‌ها و باورهای مرتبط با یگانگی محصول و آبرسازی اثر معماری را با پرسشگری مداوم نقد خواهد کرد. از این‌رو تمامی بنیادهای فکری که موجب تصور آفرینشگری و سلطه مؤلف یا اثرهنری (خالق خودشیفته و اثر مخلوق) می‌شود متزلزل خواهد شد. تصویر ۱۳ راهبردهای آموزه‌های زیست‌شده مستخرج شده از شعر حافظ را به‌صورت تحلیلی در چگونه انسان‌سازی که ریشه فرایند یادگیری است را نشان می‌دهد.

نتیجه‌گیری

دستاورد این پژوهش بیان می‌کند که بیش از هر چیزی

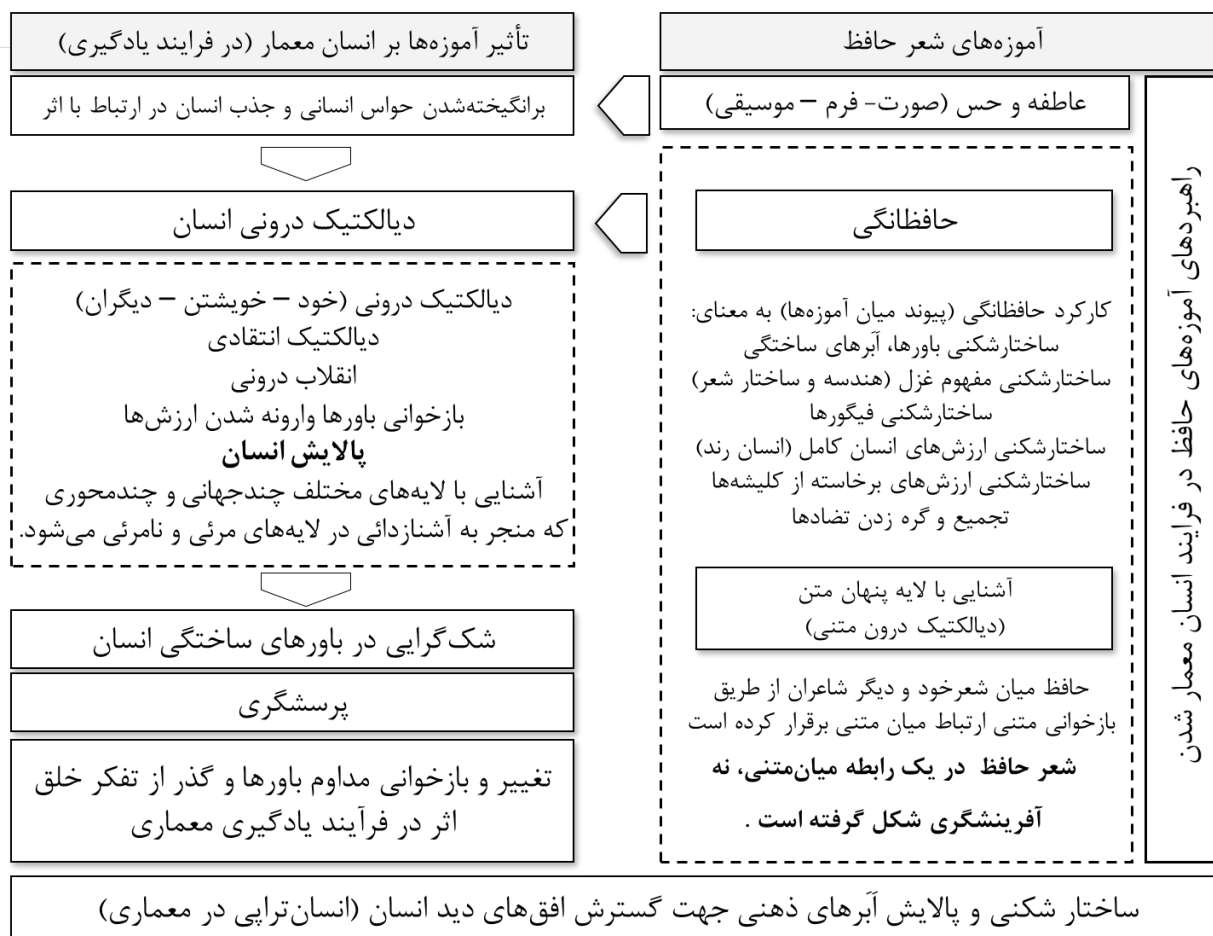
با انسان همراه دارد. در ادامه این گفتمان همان‌طور که پیش از این گفته شد مکاشفه انسان با لایه‌های متعدد متن آغاز می‌گردد. حافظانگی به‌عنوان تأثیرگذارترین آموزه استخراج شده در اصل همان فضای گفتگوی تقابل‌ها، تجمیع و پیوند تضادهای درونی متن و انسان است. ساختار شکنی در معنای واژگان و نظام هندسی شعر، پردازش و ساخت فیگورهای مختلف نامتعارف، ایجاد وارونگی در باورها و کلیشه‌های اجتماعی ابزارهای هستند که در روایت شعر حافظ جهت برقراری پیوند میان پدیده‌های مختلف به‌کار رفته است. از دیگر روابط به‌کار رفته در شعر حافظ می‌توان به گفتمان با متن دیگر شاعران اشاره کرد به‌گونه‌ای که وی در برخی مواقع به جای خلق و آفرینش اثری نو با برداشت متنی از آثار و تجربه دیگر شاعران به بازنویسی میان‌متنی پرداخته است، این موضوع نیز یکی از تابوشکنی‌هایی است که حافظ در خلق و آفرینش اثر هنری به‌کار برده است. تمامی این ساختار شکنی‌ها، تزلزل معناها و خصلت منشوری شعر حافظ



تصویر ۱۲. تحلیل تأثیر آموزه‌های شعر حافظ بر انسان. مأخذ: نگارندگان.

پیوند با آثار دیگر شاعران و آشناندایی‌های مداوم آشنا می‌کند. از این رو خوانش شعر حافظ و تجربه زیسته در این بازی‌های گفتمانی برای انسان فراگیرنده معماری موجب شناخت گستره‌ای از روابط می‌شود. در میان این تکرار گفتمانی فراگیرنده پی می‌برد که هیچ من پایدار و ابژه ایستایی در انسان معمار وجود ندارد، بنابراین او نمی‌تواند خالق یک اثر معماری یگانه باشد. این موضوع می‌تواند موجب شکل‌گیری گفتمان درون فرد فراگیرنده معماری شود تا بدین‌سان سلطه‌جویی‌های به کار رفته در محصولات معماری که برخاسته از تفکر انسان معمار حول مفاهیم عینی و باورهایی آفرینشگری اثر است را مورد بازنگری، پالایشگری و نقد درونی قرار دهد. درک و شناخت این موضوع منجر به کاهش آموزه‌های سلطه‌جویانه شده و انسان معمار را به سوی نگارشگری اثر به جای آفرینشگری سوق می‌دهد. انسان معمار در این صورت می‌آموزد که معماری را در گستره‌ای از روابط میان‌متنی و میان‌تکثری

توجه به بازاندیشی جریان‌های فکری انسان معمار به معنای گسترش افق دید و پالایش باورهای ذهنی در یک فرایند زیستن و تجربه کردن در ساختار یادگیری (خودیافتگی) و آموختن معماری حائز اهمیت است. معماری پدیده‌ای در ارتباط با انسان است به‌منظور کاهش سلطه‌جویی‌ها و آبرهای ساخت بنا در ساختار یادگیری معماری پیش از هر چیزی باید انسان معمار ساخته شود در طول تاریخ کهن الگوها همواره توانسته‌اند در زمینه‌های مختلف نقش میانجی در زمینه ساخت باورهای انسانی داشته باشند. شعر حافظ نیز در این پژوهش نقش کهن الگویی دارد که سرشار از تجربه‌های زیسته و تکنیک‌های برقراری روابط انسانی است به‌گونه‌ای که علاوه بر اینکه موجب برانگیخته شدن حس‌های آشکار و پنهان انسان می‌شود او را به شیوه‌های مختلف بیان همچون طنز، استعاره، هم‌نشینی تناقض‌ها، وارونگی معناها و آبرها، ساختار شکنی آشکار و پنهان، گفتمان انتقادی، گفتمان میان‌متنی،



تصویر ۱۳. تأثیر آموزه‌های انسان‌ساز شعر حافظ در فرایند یادگیری معماری. مأخذ: نگارندگان.

می‌تواند در گستره‌ای از روابط درون‌متنی و تکثر گفتمانی قرار گیرد و تجربه‌های متفاوت که منجر به بیداری، پلایشگری و خودیافتگی انسان می‌شود را کسب کند.

پی‌نوشت‌ها

۱. همسر نیکوس کازانتزاکیس نویسنده معروف یونانی، در سفری که به شیراز داشت با تأثر پس از بازدید مقبره سعدی و حافظ به این مضمون اذعان داشته است. ۲./Van Manen Phenomenology ۳./Existentialism Princeton. ۴./Gaston Bachelard ۵./University Helsinki ۶./Jean Labatut ۷./University Van ۸./Moustakas ۹./Paterson ۱۰./Colaizzi ۱۱./Giorgi ۱۲./Kaam ۱۳./MAXQDA ۱۴./Van Manen Max ۱۵./Nexstien bar ۱۶./Julia Kristeva) در مقاله «کلمه، گفت و گو، رمان» (Le mot, le dialogue) در بررسی آرای باختین اصطلاح «میان‌متنی» را وارد عرصه نقد و نظریه‌های ادبی کرد، که باگذشت زمان پیامدهای آن علاوه بر حوزه ادبیات دامن‌گیر حوزه‌های فکری نیز شد. اصطلاح میان‌متنی به‌عنوان هنر بر ساختن یا وام‌گرفتن هنرمند از دیگران به منظور توقف و تلاش برای منحصره‌فرد بودن نیز مطرح شد.

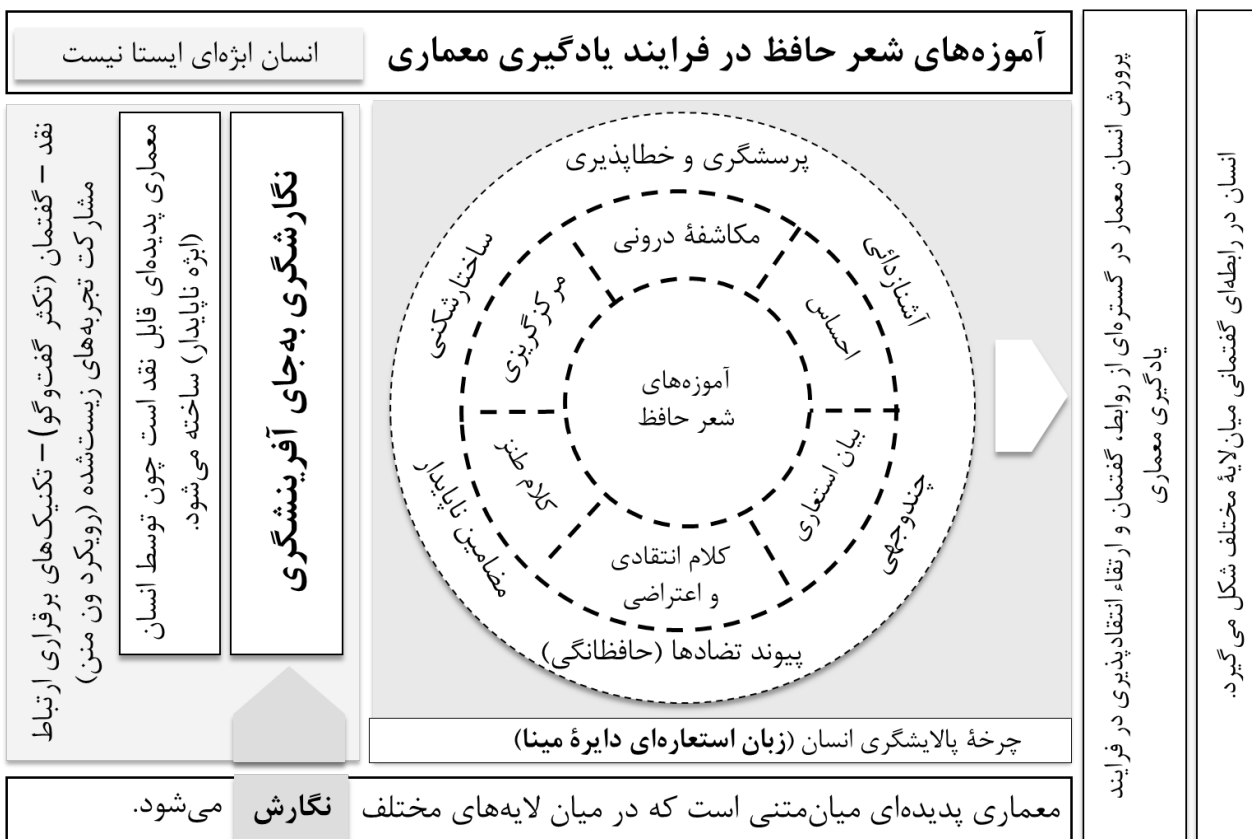
فهرست منابع

• امامی سیگارودی، عبدالحسین؛ دهقان نیری، ناهید؛ رهنورد، زهرا و نوری سعید، علی. (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی. پرستاری و مامایی جامع‌نگر، ۲۲(۶۸)، ۵۶-۶۳.

از گفتمان‌ها با دیگران و دیگر پدیده‌ها نگارش و نه آفرینش کند که این موضوع ارتقاء گفتمان‌های انتقادی در فرایند یادگیری معماری را نیز به همراه خواهد داشت.

در نهایت می‌توان گفت شعر حافظ به‌عنوان «فضای میانجی» یک پدیده فراادبی است که هم به جنبه‌های ساخت انسان می‌کوشد و هم تکنیک‌های برقراری روابط گسترده با پدیده‌های مرتبط با انسان را ارائه می‌دهد. نتیجه این جستار در قالب مدل نهایی (دایره مینا) به‌صورت چرخشی مداوم و بی‌پایان ترسیم شده است. تصویر ۱۴ مدل نهایی شکل‌گیری چگونگی تعلیم انسان و نگارش معماری از طریق تجربه‌های زیست‌شده حافظ با زبان استعاری نشان می‌دهد.

برای تحقق یافتن این نوع یادگیری پیشنهاد می‌شود آموزش معماری به توسعه روابط میان‌رشته‌ای بکوشد. به این معنا که انسان در فرایند یادگیری معماری گستره‌ای از آموزه‌های انسان‌ساز محلی از طریق خوانش متنی (فعالیت متفکرانه) مداوم همراه با زیستن، گفتمان‌های چندوجهی و نوشتن را تجربه کند. فراگیرنده معماری از طریق خواندن متن شعر حافظ به‌دلیل ماهیت گفتمانی، انتقادی و میان‌متنی



تصویر ۱۴. مدل نهایی «دایره مینا». مأخذ: نگارندگان.

سعیدی، حافظ: بحشی درباره شاعرانگی ایرانیان. چاپ چهارم. تهران: فرهنگ معاصر.

• شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۵). صور خیال در شعر فارسی: تحقیق انتقادی در تطور ایماژهای شعر پارسی و سیر نظریه بلاغت در اسلام و ایران. چاپ ششم. تهران: آگاه.

• شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۶). این کیمیای هستی: درباره حافظ. تهران: سخن.

• شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۲). جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط. معماری و شهرسازی. آرمان شهر، (۱۱)، ۹۱-۹۹.

• طهوری، نیر. (۱۳۹۶). آموختن از هایدگر: پدیدارشناسی در معماری تأثیر فلسفه هایدگر در نظریه‌پردازی معماری: هویت مکان در نظریات کریستین نوربرگ شولتس و کریستوفر الکساندر. کیمیای هنر، ۶ (۲۵)، ۷۳-۹۲.

• علینژاد مجیدی، سحر؛ شالی امینی، وحید؛ ایرانی بهبهانی، هما و ضیمران، محمد. (۱۳۹۸). آستانه یکتایی یا پیوند خوردگی آثار در معماری معاصر؛ در مرز میان آفرینش و برساختن. باغ نظر، (۷۰)، ۶۱-۷۲.

• غلامحسین زاده، غریب‌رضا. (۱۳۸۶). حافظ و منطق مکالمه رویکردی «باختینی» به اشعار حافظ شیرازی. پژوهش زبان‌های خارجی، (۳۹)، ۹۵-۱۱۰.

• مرلوپونتی، موریس. (۱۳۹۴). جهان ادراک (ترجمه فرزاد جابر الانصار). چاپ دوم. تهران: قفونوس.

• نامور مطلق، بهمن. (۱۳۸۶). پدیدارشناسی تخیل نزد باشلار. پژوهشنامه فرهنگستان هنر، (۶)، ۱۰۳-۱۱۶.

• ایزدیار، محسن. (۱۳۸۷). بررسی آزاداندیشی در شعر حافظ. زیبایی‌شناسی ادبی، (۱۵)، ۱۵-۳۶.

• ایمان، محمدتقی. (۱۳۹۳). روش‌شناسی تحقیقات کیفی. چاپ دوم. قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

• بودلایی، حسن. (۱۳۹۵). روش تحقیق پدیدارشناسی. تهران: جامعه‌شناسان.

• پنج‌تنی، منیره. (۱۳۹۴). پدیدارشناسی بیرون از مرزهای فلسفه: گفت‌وگو با یزدان منصوریان. اطلاعات حکمت و معرفت، (۶)، ۱۰-۱۱.

• پنج‌تنی، منیره؛ منصوریان، یزدان و مبینی، مهتاب. (۱۳۹۶). پدیدارشناسی تجربه زیباشناختی مکان: مطالعه موردی میدان نقش جهان. پژوهش‌های فلسفی، (۲۰)، ۲۳-۶۰.

• خرازی، سید کمال. (۱۳۸۵). مکتب تربیتی حافظ. روان‌شناسی و علوم تربیتی، (۳ و ۴)، ۱۲۹-۱۴۰.

• خرمشاهی، بهاء‌الدین. (۱۳۸۷). حافظ‌نامه: شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی، و ادبیات دشوار حافظ. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

• رحیمی، مصطفی. (۱۳۹۹). حافظ اندیشه: نظری به اندیشه حافظ همراه با انتقادگونه‌ای از تصوف. چاپ دوم. تهران: فرهنگ نشر نو.

• سلامت‌نیا، فریده؛ خیرخواه برزکی، سعید و مدرس‌زاده، عبدالرضا. (۱۳۹۸). نگاهی به آموزه‌های تعلیمی و اخلاقی در شعر فروغ‌فرخزاد و نازک‌الملائکه. پژوهش‌های اخلاقی، (۴)، ۹-۱۲۷.

• شایگان، داریوش. (۱۳۸۸). ساحت بینش حافظ: نقد ادبی (ترجمه محمد منصور هاشمی). بخارا، (۷۲ و ۷۳)، ۵۵-۷۲.

• شایگان، داریوش. (۱۳۹۳). پنج اقلیم حضور (فردوسی، خیام، مولوی،

d'histoire de l'art

- Pombo, F., Bervoets, W. & De Smet, H. (2015). Phenomenology for Introductory Architectural Analysis Courses: The pentagon methodological approach. *Design and Technology Education: An International Journal*, 20(2), 58-69.
- Shimamoto, T. (2013). Gnosis (erfan) and Reason (aql): the case of Hafez, the Persian poet. *Journal of the Interdisciplinary study of monotheistic religions (JISMOR)*, 8, 77-100.
- Smith, D. W. (2018). "Phenomenology". In Zalta, E. N. (ed.), *The Stanford Encyclopedia of Philosophy*. Stanford University. Edward N. Zalta (ed.).
- Toadvine, T. (2019). "Maurice Merleau-Ponty". In N. E. Zalta (ed.), *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. California: Stanford University.
- Van Manen, M. (2013). The Ecstatic-Poetic Phenomenology of Jennifer Anna Gosetti-Ferencei. *Phenomenology & Practice*, 7 (1), 139-143.
- Van Manen, M. (2016). *Phenomenology of Practice: Meaning-Giving Methods in Phenomenological Research and Writing*. London: New York: Routledge.
- Willis, P. (2001). The "Things Themselves" in Phenomenology. *Indo-Pacific Journal of Phenomenology*, 1(1), 1-12.
- Yorgancioglu, D. (2004). *Steven Holl: A Translation of Phenomenological Philosophy into the Realm of Architecture (A Thesis Submitted to the Graduate School of Natural and Applied Sciences)*. Ankara: Middle East Technical University.
- نواب، الهام و حاجی بابایی، فاطمه. (۱۳۹۵). پدیدارشناسی با تمرکز بر روش‌شناسی ون منن. تهران: اندیشه رفیع.
- نوروزی، یعقوب و آب‌برین، سیفال‌الدین. (۱۳۹۸). تأثیر حافظ بر ذهن و زبان شفیهی کدکنی. *علوم ادبی*، ۹(۱۵)، ۳۱۵-۳۴۵.
- وفایی‌فرد، زهره و کزازی، میرجلال‌الدین. (۱۳۹۴). مفهوم آزادی در اندیشه حافظ و مولانا و تطبیق آن با تفکر اگزیستانسیالیسم. *مطالعات ادبیات تطبیقی*، ۹(۳۳)، ۵۱-۶۹.
- Clarke, M. F. (2013). Jean Labatut and Éducation à pied d'œuvre: The Princeton Architectural Laboratory. *The Princeton University Library Chronicle*. 74(2), 178-209.
- Dodd, J. (2017). In *Phenomenology, Architecture, and the Built World: Studies in Contemporary Phenomenology*. Leiden: Brill.
- Dowling, M. (2007). From Husserl to van Manen: A review of different phenomenological approaches. *International Journal of Nursing Studies*, 44, 131-142.
- Greenlee, C. & Hinders, K. (2011). *Juhani Pallasmaa: Pym distinguished professor in architecture 2010-2011*. Champaign, IL: School of Architecture, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Hasirci, D. & Tuna Ultav, Z. (2012). An Interdisciplinary Approach to the Design Studio: Poetry as a Complementary Feature to the Creative Process. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, (51), 618-634.
- Otero-Pailos, J. (2005). *Phenomenology and the Rise of the Architect-Historian*. Paris: Publications de l'Institut national

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
رحمانی، هیوا؛ پورزرگر، محمدرضا و منصوری، بهروز. (۱۴۰۱). پدیدارشناسی آموزه‌های شعر حافظ در فرایند یادگیری معماری براساس رویکرد ون منن. *باغ نظر*، ۱۹(۱۱۷)، ۵۹-۷۴.



DOI: 10.22034/BAGH.2022.341181.5181
URL: http://www.bagh-sj.com/article_165756.html